

# نگرشی بر تعامل فقہ و تربیت

علی ہمت بناری



نگرشی بر

## تعامَل فقہ و تربیت

علی ہمت بناری

## فهرست

|  |    |
|--|----|
| فصل دوم                                  | ۶  |
| الف) مفهوم شناسی تربیت                   | ۶  |
| ۱- تربیت در زبان فارسی                   | ۶  |
| ۲- تربیت در زبان انگلیسی                 | ۶  |
| ۳- تربیت در زبان عربی                    | ۶  |
| ب) تربیت در آیات و روایات                | ۷  |
| ۱) تربیت در آیات                         | ۷  |
| ۲) تربیت در روایات                       | ۷  |
| ج) تربیت در معنای اصطلاحی                | ۷  |
| جمع‌بندی تعاریف                          | ۹  |
| د) موضوع تربیت                           | ۹  |
| ه) اهداف تربیت                           | ۹  |
| و) مبانی تربیت                           | ۱۰ |
| ز) اصول تربیت                            | ۱۰ |
| ح) روش‌های تربیت                         | ۱۰ |
| ط) ارکان تربیت                           | ۱۱ |
| ۱- مربی                                  | ۱۱ |
| ۲- متربی                                 | ۱۱ |
| ۳- محتوا                                 | ۱۱ |
| ی) دامنه و گستره تربیت                   | ۱۱ |
| ک) مراحل تربیت                           | ۱۱ |
| ل) معرفی اجمالی علوم تربیتی              | ۱۱ |
| فصل سوم                                  | ۱۲ |
| گفتار اول: بررسی امکان تعامل فقه و تربیت | ۱۲ |
| ۱- از جهت اشتراک در موضوع                | ۱۲ |
| ۲- از جهت گستره و قلمرو                  | ۱۳ |
| ۳- از جهت محتوا                          | ۱۳ |

- ۴- از جهت اشتراک در اهداف و غایات..... ۱۳
- ۵- از جهت علمی و کاربردی بودن..... ۱۳
- گفتار دوم: تأثیر فقه در مبانی تربیت..... ۱۳
- الف) تأثیر فقه در مبانی تربیت..... ۱۳
- ب) تأثیر فقه در اهداف تربیت..... ۱۳
- ۱- حفظ سلامت جسمی..... ۱۳
- ۲- عبادت (حفظ سلامت روحی)..... ۱۴
- ۳- حفظ روابط سالم اجتماعی..... ۱۴
- ج) تأثیر فقه در اصول تربیت..... ۱۴
- ۱- رعایت اصل توانایی و محدودیت مربی..... ۱۴
- ۲- اصل تخفیف و مسامحت..... ۱۵
- ۳- اصل مثبت‌نگری..... ۱۵
- ۴- اصل آماده‌سازی برای پای بندی به تکالیف الزامی..... ۱۵
- ۵- اصل سخت‌گیری در احکام الزامی و آسان‌گیری در احکام غیر الزامی..... ۱۶
- ۶- اصل آزادی و اختیار..... ۱۶
- ۷- اصل تعبد..... ۱۷
- د) تأثیر فقه در روش‌های تربیت..... ۱۷
- ۱) تنبیه..... ۱۷
- ۲) فریضه‌سازی و الزام بخشی به مسائل..... ۱۸
- ۳) همراهی بایدها و نبایدهای شرعی..... ۱۸
- ه) تأثیر فقه در ابعاد تربیت..... ۱۸
- ۱- تربیت جسمی..... ۱۸
- ۲- تربیت روحی..... ۱۸
- ۳- تربیت اجتماعی..... ۱۸
- ۴- تربیت عقلانی..... ۱۸
- ۵- تربیت اخلاقی..... ۱۹
- و) تأثیر فقه در ارکان تربیت (مربی، متربی و محتوا)..... ۱۹
- ۱) مربی..... ۱۹
- ۱-۱) والدین..... ۱۹

- الف) نقش ویژه مادر ..... ۲۰
- ب) نقش ویژه پدر ..... ۲۰
- ۱-۲) معلم و مربی ..... ۲۰
- ۱-۳) جد پدری ..... ۲۱
- ۱-۴) قیم و وصی ..... ۲۱
- ۱-۵) حاکم شرع و ولی فقیه ..... ۲۱
- ۱-۶) مؤمنان عادل ..... ۲۱
- ۲) متربی ..... ۲۱
- ۲-۱) احکام متربی در غیر نظام رسمی تعلیم و تربیت (احکام کودک) ..... ۲۱
- ۲-۲) احکام متربی در نظام تعلیم و تربیت رسمی ..... ۲۲
- ۳- محتوا ..... ۲۲
- ۳-۱) آموزه‌های تربیتی (بایدها و نبایدها) ..... ۲۲
- ۳-۲) فعالیت‌های تربیتی (بایدها و نبایدها) ..... ۲۳
- ز) تأثیر فقه در مراحل تربیت ..... ۲۳
- ۱- مرحله تمهید ..... ۲۳
- ۲- مرحله تولد تا سن تمیز ..... ۲۴
- ۳- مرحله تمیز ..... ۲۵
- ۴- مرحله رشد ..... ۲۶
- ۵- مرحله پس از بلوغ و رشد ..... ۲۶
- گفتار سوم: تأثیر تربیت و علوم تربیتی در فقه ..... ۲۷
- الف) تأثیر تربیت در فقه ..... ۲۷
- ارائه موضوعات جدید ..... ۲۷
- تبیین و تحلیل موضوعات فقهی - تربیتی ..... ۲۷
- ایجاد عناوین ثانویه فقهی ..... ۲۷
- توسعه در قلمرو فقه و زمینه سازی برای تدوین فقه تعلیم و تربیت ..... ۲۷
- ارائه تحلیل‌های تربیتی از احکام فقهی ..... ۲۷
- تأثیر در آموزش و به کار بستن احکام فقهی ..... ۲۷
- ب) بررسی اجمالی تأثیر علوم تربیتی در فقه ..... ۲۷
- ۱- ارائه موضوعات نوین ..... ۲۷

۲- تأثیر در مبانی احکام فقهی..... ۲۷.

## فصل دوم

### الف) مفهوم شناسی تربیت

#### ۱- تربیت در زبان فارسی

در زبان فارسی تربیت به معنای «پروردن، پروراندن یا پروراندن، آداب و اخلاق را به کسی آموختن، آموختن و پروردن کودک تا هنگام بالغ شدن»

#### ۲- تربیت در زبان انگلیسی

معادل کلمه تربیت در زبان انگلیسی واژه education است. «این واژه که خاستگاه آن لاتینی است دارای دو ریشه است، یکی «educar» که به معنای تغذیه و خوراک است و دیگری «educere» که به معنای بیرون کشیدن (فرهیختن) و رهنمودن به چیزی و خلاصه پرورش است.

#### ۳- تربیت در زبان عربی

- ۱- این واژه با دو ریشه «ربب» و «ربو» در ارتباط است.
- ۲- ریشه اول به معانی گوناگونی چون «حضانت (در دامان خود پروردن)، اصلاح، تدبیر (پایان کاری را نگرستن)، خوب رسیدگی نمودن، سرپرستی، تمیم و تکمیل (به اتمام رساندن و کامل کردن)، تأدیب (ادب آموختن)، چیزی را ایجاد نمودن و به تدریج تکامل بخشیدن و سوق دادنی شیئی به سوی کمال و رفع کمبودها» بکار رفته است. و ریشه دوم نیز به معانی متعددی مانند «زیاد شدن، تغذیه نمودن، بالا رفتن، رشد و نمو کردن و تهذیب نمودن» استعمال شده است.
- ۳- معانی ریشه دوم با توجه به کاربرد آن، بیشتر ناظر به پرورش جسمی و مادی است؛ در حالی که معانی ریشه اول، بیشتر ناظر به پرورش سایر ابعاد است؛
- ۴- در اینکه واژه تربیت از کدام ریشه مشتق شده و کدام یک از این دو ریشه، اصلی و کدام فرعی است، دیدگاه واژه شناسان متفاوت است. از کلام راغب اصفهانی در المفردات استفاده می‌شود که ماده «ربو» اصلی است و در نتیجه، مصدر تربیت از آن مشتق شده است، از سوی دیگر از کلام زبیدی در تاج العروس و ابن منظور در لسان العرب استفاده می‌شود که ماده «ربو» اصلی است، ولی

به خاطر سهولت در تلفظ، حرف آخر کلمه به حرف عله تبدیل شده است و در نتیجه مصدر «تربیه» از ماده ربب مشتق گردیده است.

## ب) تربیت در آیات و روایات

### ۱- تربیت در آیات

مشتقات ماده «ربو» در دو آیه از آیات قرآن بکار رفته است: مورد اول آیه ۲۴ از سوره اسراء است «قل رب ارحمهما کما ربیانی صغیراً؛ و بگو خدایا به پدر و مادر من که مرا در کودکی و خردسالی بزرگ کرده اند رحم نما».

آیه دیگر آیه ۱۸ از سوره شعراء است «لم نربک فینا ولیداً و لبثت فینا من عمرک سنین»؛ آیا ما تو را در کودکی بزرگ نکرده ایم و چندین سال از عمرت را در میان ما سپری نکرده ای».

آنچه مسلم است کاربرد ماده «ربو» در رشد و پرورش جسمی است و در این آیات نیز این معنا بطور حتم اراده شده است. نکته دوم این که این ماده درباره دوران کودکی و خردسالی انسان بکار رفته است.

و اما از مشتقات ماده «ربب» در مورد انسان نیز سه واژه ربانیین یا ربانیون ربیون و ربائب بکار رفته است. علامه طباطبائی برای واژه ربانیون که در آیات ۴۴ و ۶۳ مائده بکار رفته است، دو معنا ذکر نموده که در معنای دوم، آن را به معنای «مربی» گرفته است.

### ۲) تربیت در روایات

با توجه به بررسی نگارنده در روایات، تربیت از ماده «ربب» به عنوان مصدر باب تفعیل بکار نرفته است و در مجموع، کاربرد مشتقات تربیت از ریشه «ربب» در مورد انسان در روایات نسبت به ماده «ربو» بسیار محدودتر است.

تربیت از ماده «ربو» عمدتاً در خصوص دوره کودکی بکار رفته و در مورد بزرگ سالی بکار نرفته است و از کاربرد این ماده در روایات به طور حتم تربیت جسمی اراده شده است. با این حال نمی توان ادعا نمود که این ماده، منحصر به تربیت و پرورش جسمی است و در سایر ابعاد تربیتی بکار نرفته است.

## ج) تربیت در معنای اصطلاحی

۱- «تعلیم و تربیت فعل و انفعالی است میان دو قطب سیال (مربی و متربی) که مسبوق به اصلی و متوجه هدفی و مستلزم طرح و نقشه ای باشد».<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> محمد باقر هوشیار، اصول آموزش و پرورش، (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۲۷)، ص ۱۳.

- ۲- «تعلیم و تربیت عبارت است از مجموعهٔ اعمال یا تأثیرات عمدی و هدف دار یک انسان (مربی) بر انسان دیگر (مربی)؛ بویژه عمل یا تأثیر فرد بالغ و مجرب بر کودک و نوجوان به منظور ایجاد صفات (اخلاقی و علمی) یا مهارت‌های حرفه‌ای؛ به عبارت دیگر تعلیم و تربیت عبارت است از فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل به فعلیت رساندن یا شکوفا ساختن استعداد‌های شخص در جهت رشد و تکامل اختیاری او به سوی هدف‌های مطلوب و بر اساس برنامه‌های سنجیده شده».<sup>۱</sup>
- ۳- «تعلیم و تربیت، فعالیت یا کوششی است که در آن افراد مسن تر اجتماع انسانی یا آنهایی که بیشتر رشد کرده اند، با افراد کم رشد تر برخورد می‌کنند تا رشد بیشتری را در آنها بوجود آورند و از این راه به پیشرفت زندگی انسانی کمک کنند».<sup>۲</sup>
- ۴- «تعلیم و تربیت جریانی است که به وسیله افراد از روی قصد و اراده، رشد افراد دیگر را هدایت می‌کند».<sup>۳</sup>
- ۵- «امر تربیتی، عملی است که روی یک فرد یا گروهی از افراد اعمال می‌شود [و] یا عملی است که گروهی از افراد آن را می‌پذیرند».<sup>۴</sup>
- ۶- «تربیت عبارت است از پرورش دادن استعداد‌هایی که در فرد مورد تربیت موجود است».<sup>۵</sup>
- ۷- «پرورش [تربیت] عبارت است از جریانی منظم و مستمر که هدف آن کمک به رشد جسمی، شناختی، روانی، اخلاقی، اجتماعی یا بطور کلی رشد شخصیت پرورش یابندگان در جهت هنجارهای مورد پذیرش جامعه و نیز کمک به شکوفا شدن استعداد‌های آنهاست».<sup>۶</sup>
- ۸- «تربیت عبارت است از انتخاب افراد و گفتار مناسب، ایجاد شرایط و عوامل لازم و کمک به شخص مورد تربیت، تا بتواند استعداد‌های نهفته اش را در تمام ابعاد وجود و بطور هماهنگ پرورش داده، شکوفا سازد و به سوی هدف و کمال مطلوب تدریجاً حرکت کند».<sup>۷</sup>

<sup>۱</sup> پژوهشکدهٔ حوزه و دانشگاه، فلسفه تعلیم و تربیت، پیشین، ص ۳۶۶.

<sup>۲</sup> چهار مکتب فلسفه و جنبهٔ اجرایی آنها در تعلیم و تربیت و مذهب، به نقل از اصول و فلسفه تعلیم و تربیت دکتر شریعتمداری، ص ۷۵ (تعریف فوق از باتلر نقل شده است).

<sup>۳</sup> همان، به نقل از همان، ص ۷۶. (تعریف فوق از فلیپ ج، فینکس نقل شده است).

<sup>۴</sup> گاستون میالاره، معنی و حدود علوم تربیتی، پیشین، ص ۳۶.

<sup>۵</sup> مرتضی مطهری، اسلام و تعلیم و تربیت، چاپ بیست و هفتم، (تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۵)، ص ۱۴.

<sup>۶</sup> علی اکبر سیف، روان شناسی پرورشی (تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۷۶)، ص ۱۲.

<sup>۷</sup> ابراهیم امینی، تعلیم و تربیت در اسلام، (تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۷۶)، ص ۱۲.



## جمع‌بندی تعاریف

در این تعاریف‌ها دو گرایش کلی وجود دارد: یکی گرایش فلسفی و دیگری گرایش تجربی، گرایش فلسفی بر این پیش فرض استوار است که متربی دارای استعدادهایی است و تربیت عبارت از شکوفا کردن این استعدادهایی است و تربیت عبارت از شکوفا کردن این استعدادها است، اما در گرایش تجربی تأکید بر تجزیه و تحلیل فرایند تربیت است.

در گرایش اول بیشتر تأکید بر هدف تربیت است و نوعی تعریف به هدف به حساب می‌آید؛ در حالی که گرایش دوم تأکید بر خود عمل تربیت و تحلیل عناصر آن است.

بنابراین در تعریف تربیت می‌توان گفت:

«تربیت عبارت است از فعالیتی هدفمند و دو سویه میان مربی و متربی به منظور کمک به متربی در راستای تحقق بخشیدن به قابلیت وی و پرورش شخصیت او در جنبه‌های گوناگون فردی، اجتماعی، جسمی، عاطفی، اخلاقی، عقلانی و...».

## د) موضوع تربیت

در تربیت انسان این تنها مربی نیست که فعال و تأثیر گذار است، بلکه متربی نیز در پرتو برخوردار از استعدادها و قابلیت‌ها و داشتن اراده و اختیار، نقش فعالی در فرایند تربیت دارد و می‌تواند بر مربی و فرایند تربیت تأثیر گذار باشد.

## ه) اهداف تربیت

تربیت به عنوان عمل و فرایند تأثیرگذاری و تأثیر پذیری میان مربی و متربی، جدای از اهداف و غایات متناسب محقق نمی‌شود.

فلسفه‌ها و مکاتب تربیتی نیز در تعیین اهداف نقش دارند؛ برای مثال در جامعه ای که مکتب پراگماتیسم بر آن حاکم است، هدف از تربیت و پرورش نیروهای مفید و کارآمد است. یا در مکتب تربیتی که تأکید آن بر مسائل اجتماعی باشد، هدف، پرورش انسانهای سازگار با محیط جمعی است.

اهداف دارای سلسله مراتب می‌باشند و در یک تقسیم به نهایی و واسطه ای تقسیم می‌شوند؛ هدف نهایی عام ترین هدف است که در رأس همه هدف‌ها قرار دارد؛ اهداف واسطه ای اهدافی کلی هستند که در راستای هدف نهایی و در راه رسیدن به آن قرار می‌گیرند.

هدف نهایی از تربیت، برحسب گوناگون بودن مکاتب و دیدگاه‌ها متفاوت است و این هدف از دیدگاه اسلامی و تقرب و عبودیت الهی است،

به نظر می‌رسد با توجه به این که موضوع تربیت، انسان است، لازم باشد اهداف واسطه‌ای در راستای رسیدن به هدف نهایی و با توجه به ابعاد وجودی انسان ترسیم گردد. از آن جا که انسان دارای ابعاد گوناگون است، برای پرورش این ابعاد، اهداف واسطه‌ای متناسبی را می‌توان ترسیم نمود. انسان دارای دو جنبه اساسی است که عبارت است از: جنبه فردی (شامل بعد جسمی و مادی، و بعد روحی و روانی) و جنبه اجتماعی و در پرتو پرورش این دو جنبه است که انسان می‌تواند در جهت وصول به هدف نهایی گام بردارد. در بعد جسمی، هدف داشتن جسم سالم و برخورداری از نشاط و آمادگی لازم برای فعالیت‌های زندگی در راستای رسیدن به هدف نهایی است. در بعد روحی و روانی، هدف تنظیم صحیح رابطه انسان با خدا، با خود و پاسخگویی به نیازهای فطری است. در جنبه اجتماعی، هدف داشتن روابط سالم با دیگران و رعایت حقوقی است که در دین اسلام برای آنها بیان شده است.

### و) مبانی تربیت

مبانی تربیت عبارت است از مجموعه قانونمندی‌ها و واقعیت‌های عینی مربوط به فرایند تربیت که گزاره‌های تربیتی به آنها تکیه دارد و این قانونمندی‌ها در علوم دیگری مورد بررسی و پذیرش واقع شده و در تعلیم و تربیت مورد استفاده قرار می‌گیرند.

### ز) اصول تربیت

اصول تربیت، قواعد و دستور العمل‌های کلی هستند. که راهنمای عمل مربی قرار می‌گیرند. می‌توان ویژگی‌های اصول را به شکل زیر بیان نمود:

- ۱- اصول، قواعد و دستور العمل‌های کلی است و اختصاص به موارد جزئی ندارد، از این رو می‌تواند در موقعیت‌های مختلف از آنها بهره جست.
- ۲- اصول، راهنمای عمل مربی است.
- ۳- اصول با مبانی در ارتباط است.

### ح) روش‌های تربیت

روش‌های تربیت دستور العمل‌های جزئی تر هستند که در جهت رسیدن به اهداف، مورد استفاده مربی قرار می‌گیرند. رابطه روش‌ها با اهداف و اصول به این صورت است که اهداف جهت و مقصد فعالیت‌های مشترک مربی و متربی را نشان می‌دهد و اصول، دستور العمل‌های کلی تری است که راهنمای عمل مربی قرار می‌گیرد و روش‌ها راه‌هایی است که میان اصل و هدف امتداد دارد.

## ط) ارکان تربیت

رکن عبارت است از پایه و اساس یک شیئی که بدون آن، شیئی تحقق نمی یابد.

### ۱- مربی

مربی عامل تأثیر گذار انسانی در فرایند تربیت است؛ اعم از اینکه او بر روی خود تأثیر گذار باشد یا بر دیگری.

### ۲- متربی

متربی عاملی است که پذیرای نقش و تأثیر است و در حقیقت موضوع تربیت است.

### ۳- محتوا

محتوای تربیت عبارت است از مجموعه فعالیت‌ها و آموزه‌هایی که مربی جهت تأثیر گذاری بر متربی و انتقال آنها به او بکار می‌گیرد. اجزای مهم این محتوا عبارت اند از:

۱-۳) آموزه‌ها که شامل کلیه مواد آموزشی لازم در زندگی فرد می‌باشد اعم از آموزش‌هایی که در زندگی مادی او مفید است و یا آموزش‌هایی که در حیات معنوی او ضروری است. بنابراین کلیه باید و نبایدهای شرعی در دایره محتوای تربیت در جامعه اسلامی قرار می‌گیرد.

۲-۳) فعالیت‌هایی که جنبه عملی در آنها بیشتر از جنبه آموزشی لحاظ شده؛ از قبیل فعالیت‌های هنری، ورزشی، فنی، حرفه‌ای و غیر این‌ها که به گونه‌ای در رشد و تربیت انسان نقش دارد.

## ی) دامنه و گستره تربیت

«تربیت به عنوان فرایند، واقعیت بسیار عامی است که در همه سنین زندگانی و در همه اوضاع و احوال حیات انسانی به چشم می‌خورد».

## ک) مراحل تربیت

### ل) معرفی اجمالی علوم تربیتی

دسته اول: علوم که شرایط عمومی و محلی تربیت را مطالعه می‌کند:

۱- تاریخ آموزش و پرورش

۲- جامعه‌شناسی تربیت یا جامعه‌شناسی آموزش و پرورش

۳- قوم شناسی تربیتی

۴- جمعیت شناسی آموزشی

۵- اقتصاد آموزش و پرورش

۶- مدیریت آموزشی

۷- آموزش و پرورش تطبیقی

دسته دوم: علوم که اوضاع و وقایع تربیتی را مطالعه می‌کند:

۱- علوم که شرایط عمل تربیتی را مطالعه می‌کند

۱-۱) فیزیولوژی آموزش و پرورش

۱-۲) روان شناسی آموزش و پرورش

۱-۳) روان شناسی اجتماعی گروه‌های کوچک

۱-۴) علم مبادله پیام

۲- علوم مربوط به روش‌های تدریس و نظریه‌های مربوط به برنامه‌ها (روش‌های تدریس و برنامه ریزی

درسی)

۳- علوم مربوط به روش‌ها و فنون (تکنولوژی آموزشی)

۴- علم ارزشیابی

دسته سوم: علوم مربوط به تفکر و آینده آموزش و پرورش

۱- فلسفه آموزش و پرورش

۲- برنامه ریزی آموزشی

## فصل سوم

### گفتار اول: بررسی امکان تعامل فقه و تربیت

#### ۱- از جهت اشتراک در موضوع

موضوع تربیت، انسان (متربی) است؛ به این بیان که عوامل تربیتی درصدد تأثیر گذاری بر متربی هستند و

کانون این تأثیر پذیری، اندیشه، بینش، گرایش‌ها و بویژه رفتارهای اوست.

از سوی دیگر موضوع فقه، انسان و شئون مختلف او و به ویژه اعمال و رفتار اوست.

البته این نکته نباید مورد غفلت قرار گیرد که جهت تأثیر گذاری این دو در انسان متفاوت است، چرا که فقه

درصدد بیان باید و نبایدهای شرعی است و نگاه آن به انسان و رفتارهای او، نگاه شرعی است.

اما تربیت از این نقطه نظر به انسان نگاه نمی کند، بلکه درصدد ایجاد بینش، اصلاح و تغییر رفتارهای اوست.

## ۲- از جهت گستره و قلمرو

## ۳- از جهت محتوا

## ۴- از جهت اشتراک در اهداف و غایات

هدف نهایی فقه و تربیت مشترک است؛ به این بیان که هم تربیت به عنوان یک فرایند هدایتگر در جامعه اسلامی و هم فقه به عنوان یک حوزه معرفتی دینی و اسلامی در راستای رساندن انسان (متربی و مکلف) به یک هدف نهایی؛ یعنی قرب الهی حرکت می کنند.

## ۵- از جهت علمی و کاربردی بودن

### گفتار دوم: تأثیر فقه در مبانی تربیت

#### الف) تأثیر فقه در مبانی تربیت

احکام شرعی هر چند وضعی و اعتباری هستند، اما از مصالح و مفاسد واقعی تبعیت می کنند و آنها مبتنی بر واقعیات عینی هستند. از این رو با کنار هم گذاشتن شماری از احکام شرعی می توان برخی مبانی تربیتی را از فقه استخراج نمود؛ برای مثال از احکام متعدد مربوط به کودک و آسان گیری نسبت به او، می توان به مبانی «ضعف و رشد نیافتگی کودک» در دوره کودکی پی برد.

#### ب) تأثیر فقه در اهداف تربیت

به نظر می رسد فقه در اهداف مبانی تربیت نقش دارد و از مجموعه مباحث و احکام فقهی می توان برخی اهداف مبانی را کشف و استخراج نمود. در این جا به برخی از مهمترین آنها اشاره می کنیم:

#### ۱- حفظ سلامت جسمی

در فقه اسلامی علاوه بر اختصاص دادن باب ویژه ای بنام «خوردنی ها و آشامیدنی ها»، هرگاه حکمی در تضاد با سلامت جسمی انسان بوده و ضرر قابل توجهی او را متوجه او نموده، کنار گذاشته شده است.

## ۲- عبادت (حفظ سلامت روحی)

از جمله باب‌هایی که تأمین کننده این هدف هستند می‌توان به باب‌های نماز، روزه، خمس، زکات و حج اشاره نمود.

## ۳- حفظ روابط سالم اجتماعی

یکی از اهداف فقه اسلامی به عنوان برنامه زندگی انسان، تأمین کردن این مقررات و تنظیم روابط سالم اجتماعی است. از این رو بخش عمده‌ای از مباحث خود را به این امر اختصاص داده است و انواع عقود و ایقاعات فقهی در همین راستا وضع شده‌اند.

## ج) تأثیر فقه در اصول تربیت

استکشاف این اصول از فقه به دو نحو ممکن است: نخست آنکه مسائل و باب‌های فقهی مختلفی را که در یک زمینه مشترک هستند، کنار هم بگذاریم و از مجموع آنها یک قاعده و دستور العمل کلی برداشت کنیم. راه دیگر این است که ما از فضای حاکم بر فقه و ویژگی عمومی آن یک دستور العمل کلی تربیتی برداشت کنیم.

### ۱- رعایت اصل توانایی و محدودیت تربی

#### ۱-۱) از جهت مقطع سنی

در فقه، احکام شرعی متناسب با مقطع سنی وضع شده است و تفاوت‌های آشکاری در تکالیف و احکام متریان و مکلفان به چشم می‌خورد.

#### ۱-۲) از جهت جنسیت

در مسائل متعدد فقهی میان مردان و زنان تفاوت‌هایی لحاظ شده است.

#### ۱-۳) از جهت شرایط زمانی و مکانی

در برخی شرایط زمانی و مکانی، احکام و تکالیف مکلف و تربی متفاوت خواهد بود.

#### ۱-۴) سایر حالات و شرایط

برای نمونه در اجرای حدّ زنا در صورتی که فرد متأهل باشد، حد او سنگسار شدن است، در حالی که برای فرد مجرد فقط صد ضربه شلاق است. همچنین بین فرد بیمار و سالم در مسائل متعدد تفاوت وجود دارد.

همچنین میان جاهل و مقصر

## ۲- اصل تخفیف و مسامحت

مفاد این اصل آن است که در فعالیت‌های تربیتی، لازم است مربی مسامحه و دوری از سخت‌گیری را در همه فعالیت‌های تربیتی در نظر داشته باشد

۲-۱) وجود جایگزین‌ها در احکام

بارزترین مصداق این جایگزین‌ها کفاره‌ها است.

۲-۲) جواز انجام محرمات در حال اضطرار و ضرورت

۲-۳) تخفیف در نحوه انجام برخی واجبات

برای نمونه اگر انسان قادر نباشد نماز را در حال ایستاده بخواند، می‌تواند به دیوار یا مانند آن تکیه دهد.

۲-۴) کافی بودن بازار مسلمانان برای جواز داد و ستد و حلال بودن کالاها

۲-۵) سایر موارد

«مغفوّ بودن» خونی که به اندازه درهم بغلی باشد، توجه نکردن به شکهای بعد از محل در نماز و شک کسی که زیاد شک می‌کند اشاره نمود.

## ۳- اصل مثبت‌نگری

«حمل بر صحت»

۳-۱) اصالت صحت فعل مسلم (اصل صحیح بودن رفتار مسلمان)

ما گفتار و رفتارهای دیگران را با نگرش مثبت بنگریم و تا مادامی که دلیلی بر نادرستی آنها نیافته ایم آنها را درست و صحیح تلقی کنیم.

۳-۲) اماریت ید (در دست بودن یک چیز نشانه مالکیت آن است)

۳-۳) اصل حلیت (اصل حلال بودن چیزها)

۳-۴) اصل طهارت (اصل پاک بودن اشیاء)

۳-۵) قاعده فراغ و تجاوز

۳-۶) اماریت (نشانه بودن) بازار مسلمانان

## ۴- اصل آماده‌سازی برای پای بندی به تکالیف الزامی

۴-۱) جنبه زمینه‌سازی

۴-۱-۱) «پدر و جدّ پدری شرعاً موظف به تربیت فرزندان و تمرین آنها به عبادت می‌باشند، بنابراین باید برای نماز ایشان را از خواب بیدار کنند».

۴-۱-۲) تمرین نماز شکسته پیش از بلوغ

«کودک نابالغ اگر بخواهد در سفری که قصد ماندن ده روز را نکرده، نماز بخواند باید نمازش را شکسته بخواند».

۳-۱-۴) پوشش دختر غیر بالغ در نماز

«مستحب است که موهای دختر بچه را در حال نماز بپوشانند».

۲-۴) جنبه پیش‌گیری

۱-۲-۴) جلوگیری از خوردنی‌ها و آشامیدنی‌های حرام و نجس

۲-۲-۴) جلوگیری از پوشیدن لباس حریر و زینت کردن آن به طلا برای کودکان پسر.

۳-۲-۴) بازداشتن کودک از تخلی (دفع مدفوع) رو به قبله و پشت به آن

۴-۲-۴) جلوگیری از دست زدن به آیات قرآن

۵-۲-۴) پیش‌گیری در مسائل جنسی

۵- اصل سخت‌گیری در احکام الزامی و آسان‌گیری در احکام غیر الزامی

۱-۵) احکام الزامی

۱-۱-۵) نماز مهمترین وظیفه انسان مسلمان است.

۲-۱-۵) روزه بر کسی که به بلوغ شرعی رسیده و عذر شرعی هم ندارد واجب است.

۳-۱-۵) پرداخت خمس واجب است.

۴-۱-۵) انسان تحت هیچ شرایطی نمی‌تواند در اموال دیگران تصرف کند؛ مگر این که از آنان اجازه بگیرد.

۵-۱-۵) قرار دادن جریمه‌های سنگین در قالب حدود و دیات در فقه از بارزترین شواهد بر سخت‌گیری و

اهمیت شارع نسبت به احکام الزامی است.

۲-۵) احکام غیر الزامی

۱-۲-۵) برای ترک هیچ مستحبی کفاره و یا حتی لزوم قضا قرار داده نشده

۲-۲-۵) نمازهای مستحبی را می‌توان در حال حرکت و راه رفتن نیز خواند.

۳-۲-۵) برای نماز گزار جایز است قنوت نماز را که یک عمل مستحبی است به هر زبانی که مایل است،

بخواند.

۴-۲-۵) روزه مستحبی را در هر وقتی؛ حتی چند لحظه قبل از اذان مغرب می‌توان افطار نمود.

۵-۲-۵) شکستن نمازهای مستحبی جایز است.

۶- اصل آزادی و اختیار

۱-۶) خرید و فروش فردی که به معامله وارد شده، اعتبار ندارد.



۲-۶) اختیار، شرط صحت عقد مضاربه است.

۳-۶) اختیار، شرط جواز وکالت است.

۴-۶) اختیار زن و مرد در عقد نکاح، شرط صحت آن است و هرگاه یکی از آنها بر این کار مجبور باشد، عقد باطل است.

۵-۶) هرگاه مردی به طلاق وارد شود، آن اطلاق صحیح نیست و حتی اگر بعد از طلاق به آن راضی گردد فایده ای ندارد و طلاق باطل است.

#### ۷- اصل تعبد

تعبد عبارت است از اطاعت و انقیاد محض در برابر خداوند و انجام دستورات الهی، بدون آنکه چون و چرایی در کار باشد.

اصل تعبد را از فضای حاکم بر احکام فقهی برداشت می‌کنیم.

#### د) تأثیر فقه در روش‌های تربیت

##### ۱) تنبیه

۱-۱) حدود، تعزیرات و دیات

۲-۱) کفّاره‌ها

۳-۱) مسائل مربوط به تنبیه کودکان

۱-۳-۱) مواردی که می‌توان کودک را تنبیه نمود.

۱- در صورتی که کودک گناه کبیره ای انجام دهد. ۲- در مواردی که امر به معروف و نهی از منکر و جلوگیری از فساد، تنها با تنبیه بدنی ممکن باشد. ۳- در تمرین دادن پسران ده ساله به نماز.

۲-۳-۱) مقدار تنبیه

۱- تنبیه باید پس از انجام تشویق و مفید نبودن آن و به عنوان آخرین تلاش برای بازداري کودک از کار نادرست باشد.

۲- فقها تنبیه را فقط در مورد بازداري از کار حرام و بجای آوردن نماز که پس از بلوغ بر او واجب می‌شود جایز دانسته اند.

۳- در فتوای فقها تنبیه جایز دانسته شده و به عنوان یک روش تربیتی مطرح شده است. اما هیچ فقیهی فتوا به الزامی بودن آن نداده است.

۴- تنبیه نباید به قدری باشد که موجب سرخ شدن یا کبود شدن اعضای بدن کودک گردد.

۵- در تنبیه باید از زدن به جاهای حساس کودک مثل سر و صورت پرهیز نمود.

## ۲) فریضه سازی و الزام بخشی به مسائل

تکالیف الزامی اعم از واجبات و محرمات، محور اصلی مسائل و احکام فقهی را تشکیل می‌دهد و اینها تأمین کننده این روش هستند.

این روش به ویژه در خود تربیتی و هنگامی که متربی خود در پرورش خویش است و به اصطلاح «خودسازی» می‌کند، تأثیر چشم گیرتری دارد و بویژه در فقه، باب‌هایی برای این امر پیش بینی شده است که می‌توان به باب‌های نذر، عهد و قسم اشاره نمود.

## ۳) همراهی بایدها و نبایدهای شرعی

انجام هر تکلیف شرعی به طور طبیعی شرایط و موانعی دارد که بدون فراهم نمودن شرایط و برطرف نمودن موانع، تکلیف به طور صحیح انجام نمی‌شود. از ویژگی‌های احکام فقهی آن است که پیرامون هر تکلیف شرعی، بایدها و نبایدهای مربوط به آن بیان شده و مکلف با آگاهی از آنها می‌تواند به نحو شایسته و کامل به تکالیف خود عمل نماید.

## ه) تأثیر فقه در ابعاد تربیت

### ۱- تربیت جسمی

دو باب خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها

همچنین باب‌هایی چون طهارت و نجاست، شکار کردن و سربریدن حیوانات با این امر در ارتباط است. علاوه بر اینها یکی از قواعد مسلم فقهی قاعده نفی ضرر است

### ۲- تربیت روحی

### ۳- تربیت اجتماعی

۱-۳) رابطه زن و شوهر

۲-۳) رابطه والدین و فرزندان

۳-۳) رابطه فامیل و بستگان

۴-۳) روابط افراد با یکدیگر

### ۴- تربیت عقلانی

۱-۴) شرط بودن عقل برای تکالیف شرعی

۴-۲) داشتن احکامی برای حفظ عقل

۴-۳) شیوه اجتهادی فقه

#### ۵- تربیت اخلاقی

۵-۱) مبحث مبارزه با نفس و تهذیب

۵-۲) جهت دیگر چگونگی برخی احکام و واجبات است که تأثیر اخلاقی برجسته ای دارند؛ از جمله این احکام می‌توان به نماز و روزه اشاره نمود.

۵-۳) جهت سوّم، پرداختن فقه به برخی از موضوعات اخلاقی است.

از جمله مباحث اخلاقی که در کتاب‌های فقهی مورد بررسی قرار گرفته، می‌توان به مباحث غیبت، کذب، تهمت و نیمه (سخن چینی) اشاره نمود که این مباحث عمدتاً در باب مکاسب محرّمه مطرح شده است.

(و) تأثیر فقه در ارکان تربیت (مربی، متربی و محتوا)

(۱) مربی

#### ۱-۱) والدین

فقه، بیش از هر عامل دیگری بر نقش والدین تأکید می‌کند و تأثیر این عامل را بویژه تا قبل از بلوغ بسیار چشم‌گیر و برجسته می‌داند.

والدین در فرزند تا پیش از بلوغ هر چند بسیار چشمگیر و تعیین‌کننده است، اما این تأثیر به این مقطع محدود نمی‌شود.

انجام برخی فعالیت‌ها توسط فرزند مشروط به اجازه والدین است

برخی از این فعالیت‌ها عبارت است از :

- مسافرت و سیاحت

- رفتن به جبهه و جهاد

- اعتکاف

- روزه مستحبی

- حج مستحبی

- نذر کردن

- سوگند یاد کردن

- رفتن به مسجد

- عمل مستحب

- وا داشتن به انجام واجبات و ترک محرمات

«پدر تا زمانی که احتمال تأثیر می‌دهد باید فرزندش را به انجام واجبات و ترک کارهای حرام وادار کند».

الف) نقش ویژه مادر

نقش تربیتی مادر در برخی موارد از نقش پدر بیشتر است. این موارد عبارت اند از:

۱) دوره بارداری

همچنین در دو سال اول کودکی

از سوی دیگر به دلیل وابستگی بیشتر دختر به مادر و نقش برجسته مادر در پرورش او، حضانت دختر تا سن هفت سالگی با مادر است

ب) نقش ویژه پدر

حضانت پسر از دو سالگی و حضانت دختر از هفت سالگی تا دوره بلوغ و رشد بر عهده پدر است. همچنین پرداخت نفقه فرزند بر عهده پدر است و در صورت نبود پدر و جد پدری نوبت به مادر می‌رسد. از موارد دیگر اینکه مادر نمی‌تواند فرزند خود را بدون اجازه پدر بزند.

از سوی دیگر ولایت در امور کودک از قبیل ازدواج، اجیر نمودن و مانند اینها به پدر و جد پدری یا وصی آنها اختصاص دارد و به مادر نمی‌رسد.

۲-۱) معلم و مربی

۱-۲-۱) صلاحیت معلم و دست اندرکاران امر تعلیم و تربیت

از نظر فقهی نمی‌توان فرزندان را به دست هر معلم و مدیر آموزشی سپرد، بلکه باید معلم و سایر دست اندرکاران امر تعلیم و تربیت، واجد شرایطی برای این کار باشند. این شرایط عبارت اند از: مسلمان بودن، امانتدار بودن، مؤمن بودن و فاسق نبودن.

۲-۲-۲) جنسیت معلم و مربی

«تدریس معلم مرد در مدارس دخترانه یا مختلط اگر مفاسد دینی و اخلاقی داشته باشد جایز نیست».

۳-۲-۱) مسئولیت معلم در برابر وقت دانش آموزان

۴-۲-۱) تنبیه دانش آموزان توسط معلم

«برای معلم جایز نیست کودک را بی‌اذن ولی او بزند».

۵-۲-۱) مسئولیت معلم در برابر احکام شرعی

«در صورتی که در مکتب یا مدرسه، کودکان دست بی وضو بر خطوط قرآن بگذارند، معلم باید دستور ترک آن را بدهد و اگر دید منع کند».

### ۳-۱) جدّ پدری

ولایت شامل طیف وسیعی از اقدامات و تصرفات در امور مربوط به کودک است که در دو بخش؛ یعنی ولایت بر اموال شامل عقود و ایقاعات مربوط به کودک، و ولایت بر نفس شامل تعلیم و تربیت رسمی، ازدواج، اجیر کردن، نفقات، عبادات، نذر، عقد، قسم و مانند اینها خلاصه می‌گردد.

### ۴-۱) قیم و وصی

قلمرو دخالت وصی به میزان ولایتی است که پدر یا جدّ پدری به او داده اند و می‌تواند گسترده یا محدود باشد.

### ۵-۱) حاکم شرع و ولی فقیه

هرگاه پدر یا جدّ پدری از دنیا بروند و قیمی را برای سرپرستی کودک تعیین نکنند، ولایت کودک با حاکم شرع یعنی مجتهد عادل است.

### ۶-۱) مؤمنان عادل

### ۲) مرتبی

ورود کودکان به مرحله جدیدی که به یک باره کلیه احکام الزامی اعم از واجبات و محرمات درباره آنان حتمیت می‌یابد، مستلزم برخی مشقت‌ها و سختی‌ها نسبت به آنان است و همین امر چه بسا سبب تکلیف‌گریزی و سهل‌انگاری آنان نسبت به احکام شرعی گردد، از این رو برای پیشگیری از این وضعیت، در فقه احکامی برای کودکان وضع شده است و بدون آن که الزام و اجباری بر کودکان باشد، آنان به انجام این احکام تشویق می‌شوند تا نوعی تمرین و آماده‌سازی برای آنان به حساب آید.

### ۱-۲) احکام مرتبی در غیر نظام رسمی تعلیم و تربیت (احکام کودک)

کودک و عبادت

«تمرین دادن کودک ممیز به تمام عبادت‌ها مستحب است».

کودک و نماز

«مستحب است کودک ممیز را به خواندن نمازهایی واجب و نافله تمرین و عادت دهند».

کودک و نماز جماعت

«اقتدای کودک به کودک اگر برای تمرین آنان باشد، مانعی ندارد».

کودک و نماز در سفر

کودک و روزه

کودک و خمس

کودک و زکات

کودک و حج

کودک و داد و ستد

کودک و عاریه

کودک و امانت

کودک و وصیت

کودک و تخیلی

## ۲-۲- احکام تربی در نظام تعلیم و تربیت رسمی

### ۲-۱) تشویق به تحصیل

«دانش آموزان و دانشجویان در هر رشته ای از علوم مباح که تحصیل می کنند، اگر هدفشان از تحصیل خدمت به جامعه و زیاد شدن عظمت اسلام و رفع نیاز مسلمانان به بیگانگان باشد اجر و ثواب بسیار دارند».

### ۲-۲) ضرورت زمینه سازی برای ادامه تحصیل افراد با استعداد

«تا آنجا که ممکن است باید ترتیبی داده شود که از تمام طبقات هر کس دارای استعداد بیشتری است بتواند به تحصیل ادامه دهد».

### ۲-۳) مسئولیت تربی در برابر استاد ناصالح

«حاضر شدن در کلاس درسی که استاد آن فساد عقیده داشته و در ضمن درس علیه اسلام تبلیغ می کند، جایز نیست».

### ۲-۴) تربی و فضای آموزشی ناسالم

### ۲-۵) تقلب دانش آموزان در دروس

## ۳- محتوا

### ۳-۱) آموزه های تربیتی (بایدها و نبایدها)

- ۱-۱-۳) آموزش احکام شرعی
- ۲-۱-۳) علوم و فنون مورد نیاز جامعه اسلامی
- ۳-۱-۳) آموزش موسیقی مطرب
- ۵-۱-۳) آموزش سحر
- ۶-۱-۳) مطالعه و تدریس کتاب‌های گمراه کننده
- ۷-۱-۳) داستان گویی

## ۲-۳) فعالیت‌های تربیتی (بایدها و نبایدها)

- ۱-۲-۳) بازی و سرگرمی
- «ورزشی که در آن برد و باخت مطرح است مثل مسابقات فوتبال، والیبال، کشتی و... اگر برای برنده چیزی مقرر کنند حرام است»
- ۲-۲-۳) برنامه‌های خلاف اسلام
- ۳-۲-۳) شرکت در مجالس فرقه‌های گمراه کننده
- ۴-۲-۳) تبعیت از سنت‌های بیگانگان
- ۵-۲-۳) نقاشی موجودات زنده

## ز) تأثیر فقه در مراحل تربیت

این مراحل عبارت اند از:

- ۱- مرحله تمهید (قبل از تولد) ۲- مرحله تولد تا سن تمیز ۳- مرحله تمیز ۴- مرحله بلوغ ۵- مرحله رشد.
- ۱- مرحله تمهید

قبل از تولد تربیتی است و پدر و مادر عامل تأثیر گذاری اساسی در آن است.

### ۱-۱) انتخاب همسر

#### ۱-۱-۱) شرایط زن یا مادر آینده

- برخورداری از اصالت خانوادگی
- عفیف بودن و پاکدامنی از جمله شرایط مادر آینده برای فرزند است.
- مهربانی و پر عاطفه بودن از دیگر شرایط زن است.
- صالح بودن و اطاعت از شوهر در موارد لزوم شرعی از جمله شرایط همسر است.
- عاقل بودن.

- کودن نبودن.
- عزیز بودن در میان خانواده.
- ۱-۱-۲) شرایط زوج یا پدر آینده
- این شرایط عبارتند از: خوش اخلاق بودن، فاسق نبودن، شرابخوار نبودن، زناکار نبودن.
- ۱-۲-۱) مستحبات آمیزش
  - یاد خدا و استعاذه (پناه بردن به خدا) از شیطان؛
  - با وضو بودن زن و شوهر به ویژه در شب زفاف و هنگام بارداری بودن همسر؛
  - خواندن دو رکعت نماز و دعاهای وارده؛
  - آمیزش در وقت‌های خاص؛ این وقت‌ها عبارت اند از: شب‌های دوشنبه، سه شنبه، پنج شنبه و جمعه و روزهای پنج شنبه هنگام زوال و جمعه بعد از عصر.
- ۱-۲-۲) مکروهات آمیزش
  - در این اوقات آمیزش مکروه است:
  - مکان‌هایی که آمیزش در آنها مکروه است
  - حالت‌هایی که آمیزش در آنها مکروه است
- ۱-۳) دوران حمل
  - ۱-۳-۱) به تأخیر انداختن اجرای حدّ از زن باردار به سبب رعایت حال جنین او
  - ۱-۳-۲) وصیت نمودن برای جنین
  - ۱-۳-۳) ارث بردن جنین
  - ۱-۳-۴) واجب نبودن روزه بر زن باردار (به خاطر جنین)
- ۲- مرحله تولد تا سن تمیز
  - ۲-۱) احکام هنگام ولادت تا روز هفتم
    - ۲-۱-۱) غسل دادن نوزاد
    - ۲-۱-۲) گفتن اذان و اقامه در گوش نوزاد
    - ۲-۱-۳) برداشتن کام نوزاد
  - ۲-۲) سنن و احکام روز هفتم
    - ۲-۲-۱) ختنه کردن نوزاد
    - ۲-۲-۲) عقیقه نمودن
    - ۲-۲-۳) تراشیدن موی سر و صدقه دادن



۴-۲-۲) سوراخ کردن گوش نوزاد

۵-۲-۲) نام گذاری نوزاد

۶-۲-۲) انتخاب کنیه و لقب

۳-۲) سایر احکام این مرحله

- شیر مادر بهترین و با برکت ترین شیرها است.
- برغم برتری شیر مادر در صورتی که مادر بد ذات (ناصالح) باشد و دایه ای شریف و دارای شیر پاک در دسترس باشد، بهتر است نوزاد را به دایه بسپارند.
- به دلیل تأثیر حیاتی آغوز (نخستین شیر مادر) بر مادر واجب است آن را به نوزاد بدهد، اما برای بقیه مدت شیر دادن می تواند اجرت بگیرد.
- شیر دهی کامل، دو سال یعنی بیست و چهار ماه است

۴-۲) حضانت

۱-۴-۲) تعریف حضانت از دیدگاه فقها

«حضانت عبارت است از ولایت و سلطنت بر تربیت کودک.

۲-۴-۲) مدت آن تابع نیاز کودک به آن است.

۳-۴-۲) چه کسانی حق حضانت دارند؟

۱- پدر و مادر ۲- جد پدری ۳- وصی پدر یا وصی جد پدری ۴- نزدیک ترین خویشان کودک بر مبنای مراتب ارث.

۴-۴-۲) شرایط مستحقین حضانت

مسلمان بودن، برخورداری از سلامت جسمی، عقل و فاسق نبودن

نسبت به کودکان بی سرپرست نیز اهتمام ویژه ای شده و از احکام مربوط به پرورش آنان غفلت نشده است؛

۳- مرحله تمیز

۱-۳ معنای تمیز

۲-۳ سن تمیز

در فقه از برخی مقاطع سنی از جمله شش سالگی، هفت سالگی، نه سالگی و ده سالگی یاد شده و احکام ویژه ای برای هر یک بیان گردیده است که می توان از این مقاطع، سن تمیز را به نحو کلی برداشت نمود.

می توان گفت سن تمیز با توجه به تفاوت‌های فردی، محیطی و جغرافیایی افراد متفاوت است و نمی توان یک سن مشخص و دقیق را برای همه تعیین نمود. اما می توان گفت که حداقل سن تمیز شش سالگی و حداکثر آن ده سالگی است.

۳-۳) فقه و مرحله تمیز

۳-۱) «تمرین دادن کودکان ممیز به گرفتن روزه و سایر عبادات مستحب است».

۳-۹) «اگر کودک ممیز به نجاست چیزی که در دست اوست خبر دهد باید احتیاط رعایت شود».

۳-۱۰) «پوشاندن عورت از پسر بچه‌ها و دختر بچه‌های ممیز به ویژه آنهایی که در آستانه بلوغند بر مردان و زنان واجب است».

۳-۱۵) «غیبت کودک ممیز حرام است. برخلاف کودک غیر ممیز».

۴- مرحله رشد

۴-۱) معنای رشد

«رشد ملکه ای است که موجب اصلاح مال می‌گردد و از ضایع شدن و صرف آن در غیر امور عقلایی جلوگیری می‌کند».

۴-۲) زمان رشد

می توان گفت که به طور غالب همزمان با بلوغ شرعی رشد فقهی نیز حاصل می‌شود.

با حصول رشد کلیه تصرفات مربوط به اموال برای فرد جایز می‌شود. علاوه بر این رشد پایان دوره حضانت کودک به حساب می‌آید.

۴-۴) آثار تربیتی مرحله رشد

چنانچه متریان به رشد لازم دست یافته باشند ضروری است به این وضعیت آنان ارج نهاده شود و والدین و مربیان، استقلال آنان را پذیرفته و متناسب با وضعیت جدیدشان با آنان رفتار نمایند.

۵- مرحله پس از بلوغ و رشد

در این مرحله متربی به سن تکلیف شرعی می‌رسد و پای بندی به کلیه احکام الزامی بر او ضروری می‌گردد. متربی در این مرحله می‌تواند در امور مربوط به خویش به طور مستقل تصمیم بگیرد و پاسخگوی اعمال و رفتار خویش باشد.

## گفتار سوم: تأثیر تربیت و علوم تربیتی در فقه

الف) تأثیر تربیت در فقه

- ارائه موضوعات جدید

- تبیین و تحلیل موضوعات فقهی - تربیتی

- ایجاد عناوین ثانویه فقهی

- توسعه در قلمرو فقه و زمینه سازی برای تدوین فقه تعلیم و تربیت

- ارائه تحلیل‌های تربیتی از احکام فقهی

- تأثیر در آموزش و به کار بستن احکام فقهی

ب) بررسی اجمالی تأثیر علوم تربیتی در فقه

۱- ارائه موضوعات نوین

۱-۱) آموزش و پرورش تطبیقی

۱-۲) جمعیت‌شناسی آموزشگاهی

۱-۳) دانش ارزشیابی

۱-۴) تکنولوژی آموزشی

۲- تأثیر در مبانی احکام فقهی